

## تغییر اقلیم و آینده

نوزادانی که امروز به دنیا می آیند، نسبت به والدین یا پدربزرگ و مادربرگشان، اختلالات ناشی از تغییرات اقلیمی بسیار بیشتری را تجربه خواهند کرد. جوانان در خاورمیانه و کشورهای جنوب صحرای آفریقا و آنهایی که در کشورهای کم درآمد هستند بیشترین افزایش در مواجهه را خواهند دید. البته چنین تخمین‌هایی فقط تغییرات در فراوانی رویدادهای شدید را بررسی می‌کنند و معمولاً نشان نمی‌دهند که چگونه آن رویدادها ممکن است شدیدتر و طولانی‌تر شوند.

از آنجایی که تغییر اقلیم موضوعی است که به شدت بر نسل جوان اثر می‌گذارد، درک میزان آگاهی جوانان نسبت به تغییرات اقلیمی مهم است. پیروی از یک رژیم غذایی بدون گوشت می‌تواند به طور قابل توجهی به کاهش اثرهای تغییرات اقلیمی کمک کند. در میان نسل جوان، آگاهی از تغییرات اقلیم به طور قابل توجهی متفاوت است. در دنیا برای نسل کنونی جوانان - بزرگترین نسل، با حدود ۱٫۸ میلیارد نفر - قدم گذاشتن به بزرگسالی آسان نیست. ایلان ماسک که دو تجارت چند میلیون دلاری را قبل از ۳۰ سالگی راه اندازی کرد، نمونه‌ای از انرژی نسل جوان امروزی است. جوانان امروزی منتظر تغییر تدریجی مدل‌های قدیمی و معمولی نیستند. در عوض آنها از فناوری‌های جدید، شبکه‌های اجتماعی جهانی و راه‌حل‌های نوآورانه برای ساختن واقعیتی جدید استفاده می‌کنند. از اقتصاد اشتراک‌گذاری، ارزهای دیجیتال، شبکه‌های انرژی پاک که از طریق نقل و انتقالات دیجیتال پرداخت می‌شوند، جوانان در حال تعیین شکل آینده و این تازه شروع کار است.

در چنین فضایی اقلیتی جزو منکران تغییر اقلیم هستند و آن را یک پدیده طبیعی می‌دانند که توسط انسان ایجاد نمی‌شود. و در نتیجه، آنها نمی‌خواهند به آینده و چگونگی تغییر اقلیم فکر کنند. مصرف‌کنندگانی که از تغییرات اقلیمی بی‌اطلاع هستند، سعی نمی‌کنند از یک رژیم غذایی سازگار با اقلیم پیروی کنند. برنامه توسعه سازمان ملل متحد UNDP و دانشگاه آکسفورد در سال ۲۰۲۱ نشان دادند که که مسائل اقلیمی از سوی زنان بیشتر دنبال می‌شود. آنان آگاهی بیشتری از تغییرات

اقلیم و لزوم سازگاری با اقلیم دارند و تحصیلات بالاتری دارند.

نیمی از نسل جوان به شدت به تغییرات اقلیمی آگاه هستند و به طور کلی، آگاهی مردم از تغییرات اقلیمی افزایش یافته و همچنان در حال افزایش است. با این حال، آگاهی از تغییرات اقلیمی تنها جنبه ای نیست که بر سازگار با اقلیم اثر می گذارد.

بسیاری از افرادی که احتمالاً با شدیدترین تأثیرات تغییرات اقلیمی مواجه می شوند (و در حال حاضر نیز با آن مواجه هستند) در جوامعی هستند که بی عدالتی های تاریخی مانند استعمار و تجارت برده و همچنین بی عدالتی های سرمایه گذاری های زیرساختی و قرار گرفتن در معرض نابرابر آلودگی را تحمل کرده اند. عدالت اقلیمی یکی از ابعاد مهم تغییرات اقلیمی است. عدالت اقلیمی کاهش این آسیب های نابرابر تمرکز دارد تا تولید منافع عادلانه به عنوان بخشی از راه حل های اقلیمی شامل جوامع آسیب دیده به عنوان بخشی از فرآیند تصمیم گیری عملیاتی شود.

عدالت اقلیمی موضوع دهه ها کار سازمان های بین المللی در زمینه عدالت محیطی بوده است. اولین اجلاس عدالت اقلیمی در سال ۲۰۰۰ در ششمین کنفرانس سالانه کشورهای عضو سازمان ملل متحد مذاکرات اقلیمی (COP6) برگزار شد، جایی که کشورهای در حال توسعه عصبانیت خود را از اینکه سنگین ترین بار اثرهای اقلیمی را به دوش می کشند، ابراز کردند. در آمریکا، گفتمان عدالت اقلیمی پس از طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ به طور قابل توجهی توسعه یافت و از آن زمان به طور فزاینده ای در اقدامات اقلیمی موضوعی محوری شد. حرکت به سمت یک اقتصاد کم کربن و احیاکننده که «کسی را فراموش نمی کند» شعار بنیادی کار گروه های عدالت اقلیمی است. یک انتقال عادلانه بازنشستگی نیروگاه های زغال سنگ و بازآموزی کارگران آواره برای مشاغل با حقوق مشابه است. سازمان های عدالت محیط زیستی ابتکاراتی را توسعه داده اند که شامل گذار از اقتصاد سوخت فسیلی به انرژی پاک و تجدیدپذیر است.

در خاورمیانه شواهد فراوانی وجود دارد که این منطقه از تغییرات اقلیمی بیشترین ضربه را خواهد دید. انتظار می رود دمای تابستان در سراسر منطقه بیش از دو برابر میانگین جهانی افزایش یابد. امواج گرمای طولانی مدت، بیابان زایی و خشکسالی بخش هایی از خاورمیانه و شمال آفریقا را غیرقابل سکونت خواهد کرد. تغییرات اقلیمی ممکن است به رقابت خشونت آمیز بر سر کاهش منابع دامن بزند. اگرچه درجاتی از گرمایش اجتناب ناپذیر است، دولت های منطقه و شرکای بین المللی آن ها برای ادغام تغییرات اقلیمی در راهبردهای ملی برای کاهش بی ثباتی و جنگ ها و درگیری ها، کاری انجام نداده اند. کشور های منطقه باید خود را برای خاورمیانه ای آماده کنند که در آن گرم شدن هوا تشدید ناآرامی ها، تضعیف ظرفیت دولت و برانگیختن درگیری های منابع را موجب می شود.

در سوریه تغییرات اقلیمی باعث خشکسالی شد که قبل از جنگ داخلی در آنجا رخ داد. آن خشکسالی کشاورزان روستایی را به مراکز شهری مانند دمشق و حلب سوق داد و مردم را برای

ناآرامی های سیاسی متمرکز و در مقیاس بزرگ آماده کرد. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰، کل جمعیت شهری کشور ۵۰ درصد افزایش یافت. تغییرات اقلیمی مسلماً بشار اسد را مجبور به سرکوب وحشیانه مردم خود نکرد، اما باعث رویارویی شد که ممکن بود رخ ندهد. نامیدی اقتصادی ناشی از اقلیم و در نتیجه مهاجرت، بر تقویت سایر محرک های مهم درگیری موثر بود. از جمله تلاش های «خصوصی سازی» بشار اسد و تمرکز قدرت، نابرابری را اغراق آمیز کرد و ارتباط او را با جوامع روستایی و اخیراً مهاجرت کرده قطع کرد.

کمبود آب ناشی از اقلیم منبع دیگری از درگیری خواهد بود. زمانی که دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بخش های وسیعی از خاک عراق و سوریه را تحت کنترل داشت، سدهایی را که آب و برق میلیون ها نفر را در امتداد رودخانه های دجله و فرات تأمین می کردند، تحت کنترل درآورد. درگیری های متعاقب آن با نیروهای کرد و عراقی، شهرهای مقدس شیعیان مانند کربلا و نجف را بی آب کرد. بیش از ۲۳ میلیون نفر در حوضه رودخانه زندگی می کنند و کارشناسان پیش بینی می کنند که ممکن است به دلیل گرم شدن زمین، دجله و فرات در سد بیست و یکم خشک شوند.

علاوه بر این، تغییرات اقلیمی احتمالاً دولت های خاورمیانه را کمتر قادر به مدیریت ناآرامی ها خواهد کرد. اولاً، رویدادهای اقلیمی مکرر، مطمئناً باعث تأخیر در تحویل منابع و ایجاد نیازهای امداد اضطراری جدید خواهد شد. در ثانی تولیدکنندگان نفت منابع کمتری خواهند داشت، زیرا دریافت های نفتی در بحبوحه انتقال به انرژی پاک به صورت اجتناب ناپذیری کاهش می یابد.

تغییر اقلیم همچنین ممکن است دولت های خاورمیانه را نسبت به همسایگان خود محتاط تر کند. کمبود منابع در داخل یک کشور می تواند ناآرامی های سراسری را برانگیزد، اما رقابت بر سر منابع فرامرزی می تواند حتی به سطوح جنگ جویانه تر نیز برسد. با دانستن اینکه آب کمیاب تر خواهد شد، اینکه همسایگان خاورمیانه چگونه به اختلافات بر سر آب مورد نیاز برای آبیاری، شرب و تولید برق آبی رسیدگی می کنند، مهم است.

سیاست گذاران باید درک کنند که مقداری گرمایش قبلا رخ داده است و بیشتر اجتناب ناپذیر است. آن ها باید به دنبال «قطع پیوند» درگیری های ناشی از تغییرات اقلیمی باشند تا از بدترین اثرات گرمایش جهانی جلوگیری کنند. اثر چند برابری که تغییرات اقلیمی در خاورمیانه خواهد داشت به نمونه های برجسته محدود نمی شود. به عنوان مثال، اگر شرایط محیطی با شرایط سیاسی و اقتصادی همگرا شود، ممکن است آنچه در سوریه اتفاق افتاده است در هر کشور دیگر خاورمیانه تکرار شود.

مهدي زارع

عضو هیات علمی پژوهشگاه زلزله

سردبیر نشریه